

تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی

مهرداد مهرکام^۱

هوشنگ خرم نیا^۲

علی اصغر خرم نیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی-همبستگی و از نظر نوع داده‌ها، کمی می‌باشد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و برای تعیین نمونه پژوهش از روش غربالگری (۳۸۸ شرکت) طی بازه زمانی سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها از ضرایب همبستگی، آماره t و مدل رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: محافظه کاری، جریان وجه نقد عملیاتی، درآمد مشمول مالیات قطعی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت تولید و عملیات دانشگاه علامه طباطبائی، مدیرکل مالیات‌های جنوب تهران mehrkam88@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، کارشناس ارشد مالیاتی، اداره کل امور مالیاتی شهر تهران (نویسنده مسئول) khoramniah@gmail.com

۳. کارشناس ارشد حسابداری ali.khoramniah@yahoo.com

۱- مقدمه

هدف از گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و برای اتخاذ تصمیمات، مفید واقع می‌شود (منصوری، ۱۳۹۰). این هدف زمانی قابل دستیابی است که استانداردهای بین‌المللی حسابداری در شرایط موجود به کار گرفته شود. در حالی که در گزارشگری مالی ایران، عدم به کارگیری برخی استانداردهای بین‌المللی حسابداری سبب شده است صورت‌های مالی نتوانند به هدف خود که ارائه اطلاعات مفید برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی است نائل شوند.

یکی از استانداردهای بین‌المللی حسابداری که تأثیر به‌سزایی در کیفیت گزارشگری مالی دارد، استاندارد حسابداری مالیات بر درآمد (استاندارد شماره ۱۱) است. نبود این استاندارد موجب انحراف صورت‌های مالی می‌شود، چرا که این استاندارد ابزاری برای تفکیک اندازه‌های حسابداری مالی از اندازه‌های قوانین مالیاتی است.

عدم به کارگیری استاندارد بین‌المللی حسابداری مالیات بر درآمد، صورت‌های مالی شامل صورت سود و زیان، ترازنامه و بالطبع شاخص‌ها و نسبت‌های مالی مهم در بورس را دچار تحریف می‌نماید. در حالی که در گزارشگری بین‌المللی، وجود گزارش‌های مالیاتی موجبات بهبود گزارش‌های مالی را فراهم خواهد آورد (موسی زاده، ۱۳۸۵). در حال حاضر در ایران گزارش‌های مالیاتی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی حسابداری وجود ندارد و تمامی اقدامات فعلی در حد اجرای ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم و به‌طور مستقل ارائه می‌شود. کشف تقلبات، پنهان کاری‌ها و دستکاری‌ها در شرکت‌های بزرگ از قبیل ورلدکام، انرون و زیراکس که فرار مالیاتی از مقاصد سوء آنها بود، سبب شد تا در مورد نحوه گزارشگری مالی چاره اندیشی شود. عدم هماهنگی بین حسابداری و قوانین مالیاتی نیز فرصتی برای مدیران فراهم آورد تا بتوانند درآمد دفتری و یا سود مشمول مالیات را دستکاری کنند.

فرآیند رسیدگی و تشخیص مالیات یکی از بخش‌های مهم نظام مالیاتی است و تنها با کارکرد درست این بخش است که هدف‌های نظام مالیاتی تحقق پیدا می‌کند. حسابداران در این بخش از نظام مالیاتی نقشی مهم و تعیین‌کننده دارند، چرا که اظهار درآمد و مالیات و سپس رسیدگی به آن وابسته به خدمات حرفه حسابداری است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که حسابداری مالیات بر درآمد از دو جنبه اهمیت بیشتری دارد: محاسبه دقیق سود واقعی قابل تقسیم بین سهامداران و محاسبه مالیات بر درآمد، که به‌عنوان یک بدهی بوده و باید به دولت پرداخت شود.

خلاء بین مالیات واقعی و مالیات پرداخت شده در کاهش شفافیت اطلاعات مالی بی تأثیر نبوده است، چرا که سرمایه گذاران و اعتباردهندگان که تأمین کنندگان اصلی سرمایه شرکت هستند در تصمیم گیری های خود بیشتر از اطلاعات مربوط به جریان های نقدی عملیاتی استفاده می کنند (یحیایی و همکاران، ۲۰۱۰). جریان وجه نقد عملیاتی، مبین کیفیت سود است، زیرا به طور عمده تحت تأثیر سود (زیان) شرکت ها می باشد (دستگیر و خدابنده، ۱۳۸۱). غلو کردن و متهورانه بودن در گزارش های مالی باعث اختلال در فرآیند تصمیم گیری و سرمایه گذاری سایر استفاده کنندگان می شود. از طرف دیگر اختلاف بین گزارش های مالی متهورانه و گزارش های مالیاتی، رابطه ای خواهد بود که از هر دو طرف، مردم را متضرر خواهد کرد. چرا که سرمایه گذارانی که تحت تأثیر اطلاعات متهورانه و متورم، تصمیم گیری می کنند مردم هستند و درآمدهای مالیاتی نیز منابعی هستند که باید در راستای رفاه مردم و امور زیربنایی کشور سرمایه گذاری شود. بنابراین ضروری است که ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی به عنوان متغیری که کمتر مورد دستکاری و تحریف قرار می گیرد و درآمد مشمول مالیات قطعی و همچنین اثرات محافظه کاری بر ارتباط بین این دو متغیر بررسی شود، زیرا تحلیل دقیق ارتباط بین این متغیرها می تواند به ممیزین مالیاتی در درک وضعیت واقعی مؤدیان مالیاتی در فرایند تشخیص مالیات کمک کند.

این پژوهش، مالیات را به عنوان یکی از عناصر محافظه کاری در گزارشگری مالی مورد بررسی و آزمون قرار می دهد و علت استفاده از خالص جریان نقدی عملیاتی در این پژوهش آن است که متغیری است که نشان دهنده سود قبل از تأثیر دو عامل مالیات و محافظه کاری می باشد و می تواند به درک واقعی ممیزین مالیاتی از وضعیت مؤدیان مالیاتی کمک کند. باتوجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش برآنیم که به پرسش های اصلی پژوهش یعنی ارتباط بین محافظه کاری و جریان وجه نقد عملیاتی و همچنین تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده پاسخ دهیم. برای این منظور ابتدا مفهوم محافظه کاری، جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات و دلایل توجیهی آن مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش بعدی فرضیه های پژوهش ارائه می گردد. در ادامه یافته های پژوهش ارائه و تفسیر خواهند شد و سرانجام بخش پایانی پژوهش حاضر نیز به نتیجه گیری و پیشنهادات اختصاص می یابد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

محافظه کاری یعنی این که حسابدار از بین ارزش های ممکن برای دارایی ها، کمترین ارزش و برای بدهی ها، بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر، و هزینه ها باید زودتر

شناسایی شوند نه دیرتر. «کمیت فنی سازمان حسابرسی ایران»، محافظه کاری را با لفظی دیگر یعنی احتیاط به رسمیت می‌شناسد و آن را به عنوان یکی از اجزای خصوصیات کیفی قابل اتکاء بودن معرفی می‌نماید. ما به وسیله محافظه کاری حد وسطی از تکنیک‌های حسابداری را به دست می‌آوریم که ارزش دفتری دارایی‌های خالص را نسبتاً پایین نگه می‌دارد و بدون تناقض به کار برده می‌شود. برای مثال در شرایط تورمی حسابداری لایفو برای موجودی‌های کالا نسبت به فایفو محافظه کارانه است. محافظه کاری حسابداری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. محافظه کاری در حسابداری مفهومی است که از سابقه تاریخی برخوردار است به طوری که بلیس (۱۹۲۴) معتقد است که از گذشته‌های بسیار دور این مفهوم در قالب این عبارت بیان می‌شده است: زیان‌ها را پیش‌بینی کنید ولی سودها را نه. این عبارت به این معنی است که درآمدهایی که منشاء اصلی سودها می‌باشند تا زمانی که ادعای قابل اثباتی نسبت به وصول آن ایجاد نشده باشد، نباید به عنوان درآمد شناسایی و در دفاتر ثبت شوند. باسو (۱۹۹۷) باتوجه به ادبیات تجربی نشان داد که حسابداری، در شناسایی سود و زیان تمایل دارد که درجه تأیید اخبار خوب (سود) نسبت به درجه تأیید اخبار بد (زیان) بالاتر باشد. براین اساس می‌توان محافظه کاری را مخلوق عدم تقارن در تأیید شرایط سود و زیان دانست. واتز (۲۰۰۳) محافظه کاری را به عنوان میزان تفاوت تأیید پذیری شرایط شناسایی سود در مقابل زیان بیان کردند. با وجود انتقاد از محافظه کاری، نفوذ محافظه کاری در حسابداری از نظر طول زمان و ارزشگذاری با اهمیت می‌باشد. در این راستا باسو (۱۹۹۷) عقیده دارد، نفوذ محافظه کاری در حسابداری حداقل به پانصد سال می‌رسد. چت فیلد معتقد است که پیشینه تاریخی محافظه کاری ریشه در قرون وسطی دارد؛ زمانی که مباشرین دریافتند که به کارگیری محافظه کاری تمهیدی برای خودحفاظتی می‌باشد.

بگنولی و واتز (۱۹۷۰) محافظه کاری را به عنوان بانفوذترین اصل در ارزشگذاری معرفی می‌کند. پس می‌توان اذعان کرد که نفوذ محافظه کاری از نظر پیشینه تاریخی و از نظر ارزشگذاری در حسابداری با اهمیت است. از طرفی هم اندازه‌گیری مالیات و ارتباط آن با گزارش‌های مالی زمینه به کارگیری محافظه کاری در حسابداری را فراهم کرده است. احتمالاً عدم تقارن در شناسایی سود در مقابل زیان موجب می‌شود، در واحد اقتصادی سودآور مدیران ارزش فعلی مالیات را کاهش دهند. پس با تأخیر در شناسایی درآمدها و شناسایی زودتر هزینه‌ها مقصود خود را عملی می‌کنند. در ادبیات حسابداری مالی ادعا می‌شود اختلاف دفتری مالیات می‌تواند اطلاعاتی را درباره سود جاری ارائه دهد. به عنوان نمونه سود قبل از مالیات

به سود مشمول مالیات می تواند معیاری از محافظه کاری یا حسابداری متهورانه باشد یا اینکه نشانه ای از امکان تقلب (پالپو وبمارد، ۲۰۰۰) یا معیاری جهت تشخیص دستکاری هزینه ها (پنمان، ۲۰۰۱) باشد. گنتر و همکاران (۱۹۷۷) عنوان کردند که درآمد مشمول مالیات هنوز هم تحت تأثیر روش های حسابداری است. به سبب اختلاف بین قوانین و مقررات مالیاتی و اصول و موازین پذیرفته شده حسابداری ممکن است آنچه برای مقاصد حسابداری درآمد و هزینه محسوب می شود، الزاماً از دیدگاه قوانین مالیاتی درآمد و هزینه محسوب نگردد. به عبارت دیگر، باید اشاره نمود که هدف از تعیین سود در تهیه صورت های مالی، با هدف از تعیین درآمد مشمول مالیات در قوانین مالیاتی متفاوت است. علاوه بر این، برخی از اقلام درآمد و هزینه که از دیدگاه مقاصد حسابداری در یک دوره مالی شناسایی می گردند، ممکن است از لحاظ مقاصد قوانین و مقررات مالیاتی، در دوره های مالی دیگر شناسایی شوند و یا اینکه اساساً مبانی ارزشیابی برخی از اقلام بر طبق قوانین و مقررات مالیاتی متفاوت از مبانی تشخیص مطابق اصول و موازین پذیرفته شده حسابداری باشد. هر کدام از موارد فوق به بروز اختلاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات و در پی آن اختلاف بین مالیات بر درآمد برآوردی مسئولان مالیاتی و بدهی مالیاتی مورد نظر شرکت منجر می گردد.

به طور کلی می توان محافظه کاری حسابداری را در سه مقوله به شرح زیر طبقه بندی کرد:

الف- مقوله رفتاری: بدینی از خوش بینی بهتر است. به عنوان نمونه بر اساس رهنمودهای حسابداری بدهی های احتمالی (زبان های احتمالی) تحت شرایط خاص شناسایی می شوند در صورتی که این رهنمودها در خصوص دارایی های احتمالی (سودهای احتمالی) کاربرد ندارد.

ب- مقوله زمان: زودتر نشان دادن زیان ها و هزینه ها از دیرتر نشان دادن آنها بهتر است و دیرتر نشان دادن سودها و درآمدها از زودتر نشان دادن آنها بهتر است.

ج- مقوله ارزش: کمتر نشان دادن سودها و درآمدها از بیشتر نشان دادن آنها بهتر است و بیشتر نشان دادن زیانها و هزینه ها از کمتر نشان دادن آنها بهتر است.

۲-۱- تفاسیر محافظه کاری

واتز (۲۰۰۳) ریشه محافظه کاری در گزارشگری مالی را دلایل اقتصادی می داند و چهار عامل ذیل را در شکل گیری آن ذکر می کند:

۱- تفسیر قراردادی محافظه کاری: قرارداد بین شرکت و اشخاصی که در استخدام آن هستند (مانند مدیران) و همچنین قراردادهایی که بین شرکت و طرف های خارج از شرکت وجود دارد (بدهی به سهامداران و سایر اعتباردهندگان).

۲- تفسیر دعاوی قضایی محافظه کاری: افزایش در هزینه های دعاوی قضایی

۳- تفسیر قانون گذاری محافظه کاری: دیدگاه قانون گذاران و تعدیل کنندگان حسابداری مانند: SEC و

FASB

۴- تفسیر مالیاتی محافظه کاری: ارتباط بین سود گزارش شده و مالیات.

تفسیر قراردادی

تفسیر قراردادی اشاره به تضاد منافع بین طرف های قرارداد با واحد انتفاعی دارد. این قراردادها شامل قرارداد مدیران و قرارداد بدهی به سهامداران و سایر اعتباردهندگان می باشد. هر کدام از این طرف ها به دنبال منافع خود می باشند. محافظه کاری ناشی از به کارگیری تکنولوژی کارآمد در شرکت و قراردادهای شرکت با اشخاص و گروه های مختلف می باشد. بر اساس این تفسیر، حسابداری محافظه کارانه برای نشان دادن کژ منشی بوجود آمده بوسیله گروه های مختلفی است که اطلاعات نابرابر و نامتقارن، حقوق و مزایای نابرابر، افق های فکری محدود و مسؤولیت محدود دارند.

مدیران برای افزایش منافع شخصی خود، در استفاده از معیارهای حسابداری، که مبنای اطلاع رسانی برای سرمایه گذاران است، جانبدارانه عمل می کنند و در ارسال اطلاعات اختلال ایجاد می نمایند. اگر محدودیت هایی که این رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود نماید، وجود نداشته باشد، در آن صورت ارقام حسابداری موجود در گزارش های مالی، جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد. اما محافظه کاری به واسطه الزام قابلیت اثبات و تأیید خود، رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه مدیران را محدود می نماید. در عمل، محافظه کاری، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی و شناسایی سود را به تأخیر می اندازد، در نتیجه خالص دارایی ها و سود، کمتر نشان داده می شوند. در قراردادهای، اثرات مزبور، ارزش شرکت را افزایش می دهد. زیرا محافظه کاری پرداخت های فرصت طلبانه مدیر به خود و سایر گروه ها نظیر سهامداران را محدود می نماید. ارزش افزایش یافته شرکت میان همه گروه های طرف قرارداد شرکت، تقسیم و رفاه هر گروه افزایش می یابد. در این مفهوم، محافظه کاری یک مکانیزم قراردادی کارآمد محسوب می شود.

به نظر و اتز تفسیر قراردادی، با اهمیت ترین تفسیر محافظه کاری است، زیرا اصلی ترین منبع محافظه کاری به شمار می رود. اگرچه تفسیر قراردادی از نظر ادبیات، تأکید بر قراردادی دارد که بین طرف های قرارداد (مانند قرارداد بدهی و قرارداد پاداش مدیریت) است، اما گستره این تفاسیر به داخل سازمان (مانند حسابداری مدیریت و سیستم کنترلی) نیز مربوط می شود.

تفسیر دعاوی قضایی

بیور (۱۹۹۳) و واتز (۱۹۹۳) به کارگیری محافظه کاری در فعالیت های مربوط به اوراق بهادار را مناسب می دانند. دلیل این امر، به این خاطر است که دعاوی حقوقی بیشتر به دلیل بیشتر از واقع نشان دادن عایدات و دارایی ها ایجاد می شود، تا کمتر از واقع نشان دادن آنها. کلاگ (۱۹۸۴) دریافت که دعاوی حقوقی خریداران اوراق بهادار علیه حسابرسان و واحدهای اقتصادی بیشتر از دعاوی حقوقی مربوط به فروشندگان اوراق بهادار می باشد، که نسبت آن سیزده به یک است. از زمانی که حسابرسان و مدیران دریافتند که هزینه های دعاوی قضایی مربوط به بیشتر شناسایی کردن عایدات و دارایی ها بیشتر از هزینه های مربوط به کمتر شناسایی کردن آنها می باشد، اشتیاق بیشتری برای کمتر شناسایی کردن آنها یافتند.

تفسیر مالیاتی

از آنجا که درآمد مشمول مالیات و روش های محاسبه درآمد مشمول مالیات، به سود گزارش شده وابسته است، در نتیجه، محاسبه سود نیز تحت نفوذ و دستکاری بوده است. به گفته واتز و زیمرمن (۱۹۷۹)، قبول استهلاک به عنوان یک هزینه در آمریکا به دلیل الزام قانون مالیات بر درآمد شرکت ها، مصوب خزانه داری آمریکا بوده است که بر اساس آن استهلاک باید به عنوان یک هزینه، در صورت های مالی ثبت و گزارش شود.

گنتر و همکاران (۱۹۷۷) عنوان می کنند که درآمد مشمول مالیات هنوز هم تحت تأثیر روش های حسابداری است، البته به غیر از روش های استهلاک. فورد و همکاران (۲۰۰۱) نیز در تحقیق خود عنوان کردند که مالیات ها، انگیزه هایی را برای شرکت ها فراهم می آورند که به موجب آن، شرکت ها سود حسابداری را به گونه ای گزارش می کنند تا تشویق مالیاتی دریافت نمایند. تا زمانی که شرکت سودآور است، درآمد مشمول مالیات دارد، ارتباط و وابستگی بین درآمد مشمول مالیات و سود گزارش شده، انگیزه انتقال سود به دوره های آتی را فراهم می آورد. با انتقال سود به دوره های آتی، ارزش مالیات ها کاهش می یابد. همانند تفسیر قراردادی، به طور متوسط این انگیزه منجر به کمتر از واقع نشان دادن خالص دارایی ها می شود.

تفسیر قانونگذاری

قوانین نیز انگیزه هایی را برای ارائه صورت های مالی محافظه کارانه برای شرکت ها بوجود می آورد. واتز (۱۹۷۷) معتقد بود که ضرر ناشی از ارزیابی بیش از واقع دارایی ها و سود، در مقایسه با منافع حاصل از ارزیابی کمتر از واقع دارایی ها و سود، در فرآیند سیاسی بیشتر مشاهده می شود. این پدیده انگیزه هایی را برای قانون گذران و استاندارد گذاران فراهم می آورد تا آنان همچنان محافظه کار باقی بمانند. ظاهراً این

موضوع باعث شده است که کمیسیون بورس اوراق بهادار، تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها، در سه سال اول فعالیت‌شان را ممنوع کند. بر اساس قوانین بورس اوراق بهادار، حسابداری باید محافظه کارانه باشد و از اینکه حسابداری در سال ۱۹۳۹ ارزیابی بیش از واقع سهام بورس اوراق بهادار نیویورک را داشته است، آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

۲-۲- انواع مدیریت سود

تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مدیریت سود انجام شده است، اما ادبیات مربوط به نوع خاصی از مدیریت سود کمیاب است. مدیریت سود را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود. مدیریت واقعی سود، تلاش مدیریت برای دستکاری سود گزارش شده با استفاده از تغییر زمان‌بندی و معیار اندازه‌گیری فعالیت‌های تجاری می‌باشد. انگیزه مدیران برای دستکاری فعالیت‌های واقعی، گمراه کردن برخی افراد ذینفع است که باور کنند اهداف گزارشگری مالی از طریق فعالیت‌های عادی محقق شده است. مدیریت واقعی سود از طریق تغییر آرایش حساب‌ها انجام نمی‌شود، بلکه مدیران در این روش، زمان انجام عملیات، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تغییر می‌دهند. جریان نقد فعالیت‌های عملیاتی، به عنوان نماینده مدیریت واقعی سود محسوب می‌شود. مدیریت اقلام تعهدی یا مدیریت حسابداری سود، زمانی رخ می‌دهد که مدیر با استفاده از اختیارات حسابداری خود، سود گزارش شده را بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری، دستکاری کند. در این نوع مدیریت سود، اقلام تعهدی اختیاری به عنوان نماینده در نظر گرفته می‌شود. به بیان دیگر مدیریت سودهای تعهدی، فاقد پیامدهای جریان نقد مستقیم هستند.

در یک طبقه‌بندی دیگر، بر اساس تعریف‌های ارائه شده، مدیریت سود را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: مدیریت سفید سود، مدیریت سیاه سود و مدیریت بی‌رنگ سود. مدیریت سفید سود، استفاده از انعطاف‌پذیری در انتخاب روش‌های حسابداری برای انتقال اطلاعات محرمانه درباره جریان‌های نقد آتی است که باعث بهبود شفافیت گزارش‌ها می‌شود. مدیریت سیاه سود شامل تقلب، فریبکاری، ارائه نادرست و آشکار گزارش‌های مالی است که باعث کاهش شفافیت گزارش‌ها می‌شود. مدیریت بی‌رنگ سود، یعنی دستکاری گزارش‌های مالی، اما در محدوده رعایت استانداردهای روشن و مشخص، که شامل مدیریت سود فرصت طلبانه و کارا است.

محققین سه نوع معیار برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری مطرح نموده‌اند: (۱) اندازه‌گیری مرتبط با نرخ بازده سهام و سود (۲) اندازه‌گیری خالص دارایی (۳) اندازه‌گیری مرتبط با سود و تعهدات. تمامی این معیارها بر

عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان‌های حسابداری گزارش شده به‌ویژه خالص دارایی‌ها، سود و ارقام تعهدی استوار اند (واتز، ۲۰۰۳). دسته اول بیانگر معیار عدم تقارن زمانی سود است که شکل اولیه آن توسط باسو در سال ۱۹۹۷ در قالب واکنش نسبت به اخبار خوب و بد واصله در طول یک دوره مالی معرفی شد و در سال ۲۰۰۶ توسط رویچود هاری و واتز به صورت واکنش سود نسبت به اخبار خوب و بد واصله در طول چند دوره تعدیل شد. دسته دوم بیانگر معیار ارزش بازار به ارزش دفتری سهام است و اولین بار توسط استوبر در سال ۱۹۶۶ میلادی به منظور سنجش محافظه کاری مورد استفاده قرار گرفت. دسته سوم بیانگر معیار ارقام تعهدی انباشته شده است که توسط گیولی و هاین در سال ۲۰۰۳ میلادی معرفی شد. بر اساس این معیار نرخ انباشتگی ارقام تعهدی منفی در طول زمان شاخصی از تغییر در میزان محافظه کاری می باشد.

۲-۳- صورت جریان وجوه نقد

بسیاری از استفاده کنندگان صورت‌های مالی به‌ویژه مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان علاوه بر دسترسی به اطلاعاتی نظیر وضعیت مالی (ترازنامه) و عملکرد مالی (صورت سود و زیان)، نیازمند کسب اطلاعاتی در خصوص چگونگی ایجاد و مصرف وجوه نقد توسط واحد تجاری می‌باشند. اطلاعات تاریخی مرتبط با جریان وجوه نقد می‌تواند در پیش‌بینی و نسبت به مبلغ، زمان و میزان اطمینان از تحقق از جریان وجه نقد آتی به استفاده کنندگان صورت‌های مالی کمک کند (یکی از اهداف گزارشگری مالی). اطلاعات مزبور بیانگر چگونگی ارتباط بین سودآوری واحد تجاری و توان آن جهت ایجاد وجه نقد و در نتیجه مشخص کننده کیفیت سود تحصیل شده توسط واحد تجاری است.

ترازنامه یک شرکت در یک مقطع زمانی مشخص منابع یک سازمان و چگونگی تأمین این تعهدات را نشان می‌دهد و تا حدودی مبین قدرت مالی و نقدینگی سازمان است، اما در قالب یک صورت مالی ایستا فقط تصویری از یک لحظه شرکت ارائه می‌کند. صورت سود و زیان نیز فقط به ارائه منابع تحصیل شده و مصرف شده در چرخه عملیات برای یک دوره مالی مشخص در قالب‌های درآمد و هزینه می‌پردازد و نمایانگر قابلیت انعطاف‌پذیری و سودآوری مؤسسه است. این صورت‌های مالی مهم و مفید هستند، اما سوالات اساسی نیز وجود دارد که این صورت‌ها قابلیت پاسخگویی کامل به آنها را ندارند. سوالاتی نظیر اگر بدهی‌های این شرکت افزایش یافته به چه نحوی مصرف (سرمایه‌گذاری) شده است؟ در صورتی که بدهی‌ها کاهش یافته باشد به چه نحوی این کاهش صورت گرفته است؟ و سیاست‌های دریافت مبلغ فروش کالا و پرداخت وجه به فروشندگان بابت خرید چگونه است؟ کوشش در جهت پاسخگویی

به سؤالاتی از این قبیل باعث شده که مجامع حرفه‌ای حسابداری، خود را ملزم به تهیه و ارائه گزارش مالی جدیدی نمایند که بتواند خلأ اطلاعاتی موجود را پر کند. بنابراین صورت جریان نقدی تهیه می‌شود تا جوابگوی این سؤالات باشد. زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد، ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قائل می‌شوند متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکت‌ها با ارزش مورد انتظار سهامداران تفاوت خواهد داشت (دیاموند و ورچیا، ۱۹۹۱). پیش‌بینی جریان‌های نقدی برای استفاده‌کنندگان درون و برون سازمانی دارای اهمیت ویژه‌ای است. مهمترین هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی بیان شده است. برخی از صاحب نظران و مراجع تدوین‌کننده مبانی نظری و هدف‌های گزارشگری مالی بر این باورند که با استفاده از سود حسابداری و اجزای آن می‌توان جریان‌های نقدی را پیش‌بینی نمود (ثقفی و هاشمی، ۱۳۸۳). اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی، می‌تواند در ارزیابی کیفیت سودآوری واحد انتفاعی سودمند واقع شود و کیفیت سودآوری به نزدیکی سود به جریان وجوه نقد و همبستگی با آن اشاره دارد. هر قدر همبستگی بین سود و جریان‌های وجوه نقد مرتبط با آن بیشتر باشد، کیفیت سودآوری بالاتر خواهد بود. جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی توان واحد تجاری جهت بازپرداخت وام‌ها و حفظ توان عملیاتی واحد تجاری و پرداخت سود سهام بدون استفاده از منابع برون سازمانی می‌باشد. در صورتی که بعضی از جریان‌های نقدی را نتوان به یک سرفصل خاص محدود کرد، چنین اقلامی به عنوان جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی طبقه‌بندی می‌شوند (تاری وردی، ۱۳۸۹).

۲-۴- گزارشگری مالیاتی، گزارشگری مالی و شفافیت

هدف این بخش، بررسی رابطه بین گزارشگری مالیاتی و گزارشگری مالی و تأثیر آن بر شفافیت است. این بخش یک رویکرد مفهومی از تحریک‌کننده‌های اقتصادی، فاکتورها و مکانیزم‌هایی است که رابطه بین حسابداری مالیاتی و مالی و تأثیرات آنها بر شفافیت اطلاعات گزارشگری مالی را احاطه کرده است.

مکانیزم‌های حمایت از مقامات مالیاتی

مالیات بر درآمد به دلایل مختلف دارای اهمیت زیادی برای مدیران و سهامداران می‌باشد. اول از همه، مالیات بر درآمد نماینده بخش معناداری از درآمد است. علاوه بر این درآمد مشمول مالیات ممکن است به روش‌های مختلفی محاسبه شود و این ممکن است اثرات مهمی بر شفافیت داشته باشد. مدیران باید اطلاعات حسابداری را (اغلب با مقررات مختلف) به حساب‌رسان مالیاتی و همین‌طور سرمایه‌گذاران و

اعتباردهندگان گزارش کنند، هرچند بین حسابداری برای مقاصد مالیاتی و مقاصد گزارشگری ممکن است ارتباط و همسویی وجود داشته باشد. از آنجایی که مقررات مختلف هستند و مخارج مالیاتی کاهش دهنده درآمد خالص برای مقاصد گزارشگری مالی است، تحریک کننده های اقتصادی مختلفی مرتبط با هر دو بخش وجود دارد. مدیران ممکن است برای گزارش درآمد بیشتر برای سرمایه گذاران و اعتباردهندگان، تلاش کنند از طریق استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی یا حتی مدیریت سود، درآمد مشمول مالیات را کاهش دهند. نیاز فزاینده به مطابقت گزارشگری مالی و مالیاتی ممکن است رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود و شفافیت اطلاعات گزارش های مالی را توسعه دهد. حسابداری مالیاتی مستلزم محرک های اقتصادی و مکانیزم هایی برای حمایت در مقابل رفتار فرصت طلبانه است که ممکن است شفافیت گزارش های مالی را افزایش یا کاهش دهد.

علی رغم عدم تقارن اطلاعاتی بین دولت و شرکت ها، مقامات مالیاتی تلاش می کنند با تنظیم قوانینی، شفافیت اطلاعاتی مؤدیان مالیاتی را بدست آورند. اطلاعات برای مقامات مالیاتی زمانی می تواند شفاف باشد که حاوی معیارهای قابل اعتماد از توانایی شرکت ها برای پرداخت مالیات باشد. مقامات مالیاتی باید علاقه مند به معیارهای درآمد مشمول مالیات به جای معیارهای دارایی و بدهی باشند. درآمد مشمول مالیات مقدار درآمدی است که نشان دهنده توانایی شرکت برای پرداخت مالیات بر درآمد در طول دوره است. به طور واقعی توانایی پرداخت مالیات با معیارهای درآمد که به وسیله تنظیم کنندگان قوانین حسابداری مالیاتی تعریف می شود، بیان می گردد. تنظیم کنندگان قانون مالیاتی باید مراقب باشند که از اطلاعات منحرف کننده در مورد توانایی شرکت ها برای پرداخت مالیات اجتناب کنند. آنها باید قوانینی برای حمایت از حقوق دولت تنظیم کنند، چون عدم تقارن اطلاعاتی می تواند ابزاری برای منافع شخصی مدیران باشد. بنابراین برای حمایت از حقوق دولت تلاش می شود قوانینی برای جلوگیری از به تعویق انداختن درآمد توسط مدیران تنظیم شود.

مکانیزم های حمایت از سرمایه گذاری و اعتباردهندگان

سرمایه گذاران و اعتباردهندگان به گزارش های مالی برای تصمیم گیری اقتصادی نیاز دارند. سرمایه گذاران برای ارزشیابی شرکت ها و تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری به اطلاعات نیاز دارند. اعتباردهندگان در مورد اینکه آیا سرمایه برای شرکت ها فراهم کنند یا خیر، به اطلاعاتی نیاز دارند که شامل ارزیابی ریسک ورشکستگی و اعتباری است. همه اینها مرتبط با آینده است، زیرا سرمایه گذاران، بازدهی سرمایه گذاری را برای آینده می خواهند و اعتباردهندگان خواهان برگشت وام ها و بهره هستند و ارزشیابی شرکت نیازمند

ترسیم جریان‌های نقدی آتی است. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از گزارش‌های مالی برای حداقل کردن ریسک‌های اطلاعاتشان در مورد شرایط اقتصادی شرکت استفاده می‌کنند، زیرا گزارش‌های مالی، با جریان‌های نقدی آینده مرتبط هستند و سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در مورد درآمد در آینده به اطلاعات نیاز دارند. سهم درآمدها از این پیش‌بینی‌ها دلیلی است بر اینکه درآمدها پیش‌بینی بهتری از (و بنابراین یک تقریب بهتر برای) جریان‌های نقدی آتی هستند تا جریان‌های نقدی جاری. این می‌تواند به توضیح اینکه چرا درآمدها اغلب به جای جریان وجه نقد عملیاتی در مدل‌های ارزیابی و معیارهای عملکرد استفاده می‌شود، کمک کند. واتز و لافوند (۲۰۰۸) بحث کردند که گزارشگری مالی محافظه کارانه یک مکانیزم نظارتی است که توانایی مدیران برای دستکاری و غلو کردن در عملکرد مالی، افزایش جریان نقدی و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

۲-۵- مطالعات داخلی و خارجی

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با موضوع بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دریافتند که بین مالیات ابرازی محافظه کاری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این مطلب مبین آن است که اجتناب مالیاتی و محافظه کاری ابزارهایی جایگزین برای کاهش مالیات می‌باشند، به طوری که با افزایش اجتناب مالیاتی انگیزه محافظه کاری کاهش می‌یابد؛ و بالعکس. علاوه بر این رابطه منفی بین متوسط مالیات ابرازی سه ساله شرکت و اجتناب مالیاتی مبین آن است که شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند محافظه کاری نمایند و ضمن کاهش سود، صرفه‌جویی مالیاتی نمایند، تا این که بوسیله اجتناب مالیاتی مالیات بر درآمد خود را کاهش دهند.

صفار یزدی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی تحلیلی ارتباط میان تغییرات اقلام صورت‌های مالی و تغییرات مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دریافت که از میان اقلام صورت‌های مالی، هیچ یک توانایی پیش‌بینی مالیات را ندارند. اگرچه اقلام صورت‌های مالی با توجه به تفاوت‌های زیاد استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی، توانایی پیش‌بینی مالیات را ندارند و فرضیه‌های اصلی پژوهش تأیید نشدند، اما با توجه به وجود اختلاف‌های دائمی (ناشی از معافیت‌های قانونی، مالیات‌های مقطوع و محدودیت‌های مجاز) میان سود حسابداری و سود مالیاتی، در صورت حذف اثر آنها در مرحله اول و نیز تطابق قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری در راستای کاهش اختلاف‌های موقت (ناشی از مبانی مختلف اندازه‌گیری و زمان‌بندی شناسایی درآمدها و هزینه‌ها) در مرحله دوم، در هریک از این دو مرحله می‌توان انتظار وجود رابطه معنی‌داری میان تغییرات اقلام صورت‌های مالی و تغییرات مالیات را داشت.

سدیدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با موضوع اثر محافظه کاری بر گزارشگری مالی دریافت که بین ذخیره مالیات و محافظه کاری حسابداری رابطه‌ای معنادار و معکوس برقرار است که بسیار ناچیز است. بیک‌پور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای مشکلات موجود در اجرای موفق ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم را مورد بررسی قرار داد و علل اختلاف موجود را ناشی از اختلافات بین استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم، سود حسابداری و سود مالیاتی دانست.

بنی‌مهد (۱۳۸۵) الگویی برای اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارائه داد و به این نتیجه رسید که محافظه کاری به علت کاهش بازده دارایی‌ها و بازده نقدی دارایی‌ها (نسبت جریان نقدی عملیاتی به جمع دارایی‌ها) و همچنین با افزایش‌های بلند مدت، کاهش می‌یابد و با افزایش بدهی رشد عملیات شرکت‌ها، زیاد می‌شود.

در تحقیقی که توسط سعید جمشیدی فرد (۱۳۸۱) با عنوان مالیات و حسابداری - تعارض صورت گرفت، ضمن اشاره به برخی تعارضات موجود بین این دو، با تکیه بر برخی مواد قانونی و اصلاحیه‌ها به بیان گوشه‌هایی از نشانه‌های تعامل و نزدیکی قانون مالیات‌ها و اصول حسابداری پرداخته است.

شهنوازی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی ضرورت افشای وجوه افتراق بین اطلاعات مالی تهیه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری و اطلاعات مالی تهیه شده بر مبنای قانون مالیات‌های مستقیم ایران، اطلاعات تهیه شده بر مبنای قوانین مالیاتی را هدف قرار داده و به این نتیجه رسید که گزارشگری مربوط به افشای وجه افتراق بین اطلاعات مالی بر مبنای استانداردهای حسابداری و بر مبنای قوانین مالیاتی با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مرتبط است.

دارابی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین جریان نقدی عملیاتی و سود عملیاتی با بازده سهام شرکت‌ها و تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر این روابط دریافتند که سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی دارای محتوای اطلاعاتی جهت پیش‌بینی بازده سهام هستند و در این مورد محتوای اطلاعاتی سود عملیاتی بیشتر از جریان نقد عملیاتی می‌باشد اما در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر شود، محتوای اطلاعاتی سود عملیاتی کمتر و جریان نقد عملیاتی بیشتر می‌شود.

محسنی ملکی و عسگری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر محافظه کاری مشروط و نامشروط حسابداری بر جریان وجه نقد عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» دریافتند که بین محافظه کاری مشروط حسابداری و جریان وجه نقد عملیاتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، اما بین محافظه کاری نامشروط حسابداری و جریان وجه نقد عملیاتی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

مجتهدزاده و فرش (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه محافظه کاری حسابداری و تصمیمات سرمایه گذاری مدیران طی سال های ۱۳۸۹-۱۳۸۷ به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و سودآوری آتی پرداختند. آنها از جریان وجه عملیاتی به عنوان معیاری برای ارزیابی سودآوری آتی استفاده کردند و به این نتیجه دست یافتند که بین محافظه کاری حسابداری و جریان وجه نقد عملیاتی رابطه معنی داری وجود دارد.

احمدی و قصابی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر محافظه کاری مشروط بر عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. در این پژوهش برای اندازه گیری عملکرد شرکت از معیار بازده دارایی ها استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که محافظه کاری مشروط با عملکرد مالی شرکت و بازده غیر عادی رابطه منفی معناداری داشته است. یعنی هرچه محافظه کاری بیشتر شده، عملکرد مالی شرکت و بازده غیرعادی در کوتاه مدت کمتر شده است.

گری و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی نقش مدیریت ریسک محافظه کاری حسابداری برای جریان وجه نقد عملیاتی پرداختند و نتایج پژوهش نشان داد که هر دو نوع محافظه کاری مشروط و نامشروط حسابداری رابطه منفی با خطر کاهش جریان نقدی عملیاتی دارند.

بیگی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «محافظه کاری مالی شرکت های خصوصی با هدف تحلیل فاکتورهایی که شرکت ها را برای دنبال کردن سیاست های محافظه کاری مالی تحریک می کند» به این نتیجه رسیدند شرکت های محافظه کار کوچکتر با دارایی های ناملموس زیاد و دارایی های ملموس کم و نرخ مؤثر مالیاتی کمتر هستند و سیاست های مالی سلسله مراتبی دنبال می کنند. همچنین شرکت های محافظه کار از نظر مالی قبل از پذیرش سرمایه گذاری های جدید تمایل به افزایش نقدینگی و اهرم مالی دارند.

سان و لیو (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر وسعت دید تحلیلگر بر روی محافظه کاری حسابداری» دریافتند که وسعت دید تحلیلگر^۱ به صورت مثبت با محافظه کاری حسابداری ارتباط دارد.

بارث و همکاران (۲۰۰۱)، از معیار جریان های نقد عملیاتی استفاده کردند. نتایج این مطالعات نشان دهنده برتری جریان های نقد عملیاتی نسبت به سود در پیش بینی جریان های نقد آتی است. انگیزه استفاده از جریان های نقد عملیاتی به عنوان شاخصی برای پیش بینی، ناشی از هدف اولیه در گزارشگری مالی است. کاپلند و همکاران (۱۹۹۰) معتقدند اگرچه معیارهای سنتی حسابداری می تواند ابزار مفیدی برای درک و شناخت بازده جریان های نقدی باشد، ولی این معیارهای سنتی نمی تواند جایگزین شاخص های مستقیم

1. Analyst Coverage

نظیر جریان های نقدی شود.

۳- روش شناسی پژوهش

۳-۱- فرضیه های پژوهش

باتوجه به مطالب فوق، فرضیه های این تحقیق در قالب دو فرضیه اصلی به صورت زیر قابل بیان می باشد:

۱- جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

۲- محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

۳-۲- روش تحقیق

این تحقیق با توجه به هدف، از نوع کاربردی و با توجه به روش اجرا، توصیفی (غیرآزمایشی) (و از نوع همبستگی می باشد و سعی می شود رابطه بین متغیرهای تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی، کشف و بیان شود. برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شد. اطلاعات و داده های مورد نیاز مربوط به ادبیات تحقیق و مبانی نظری از منابع کتابخانه ای و پایگاه های علمی و مقالات داخلی و خارجی استخراج می شود. برای گردآوری داده های تحقیق نیز از بانک های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اطلاعاتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، بانک های اطلاعاتی نرم افزارهای تدبیرپرداز و ره آورد نوین و همچنین گزارشات هفتگی و صورت های مالی شرکت ها حسب مورد استفاده شد.

جامعه آماری این تحقیق کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که از ابتدای سال ۱۳۸۷ لغایت اسفند ۱۳۹۱ در بورس فعال بوده اند. در این تحقیق برای انتخاب نمونه از روش غربالگری (حذفی) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها نیز از مدل رگرسیون خطی استفاده شد. برای بررسی معنی دار بودن ضریب متغیرهای مستقل در هر مدل از آماره t استفاده شده و براساس نتایج حاصل از بررسی معنی دار بودن کل رگرسیون طبق آماره f ، در سطح اطمینان ۹۵٪ در خصوص تأیید یا رد فرضیه ها تصمیم گیری شد. همچنین به منظور بررسی نرمال بودن متغیر وابسته و استقلال خطاها به ترتیب از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و آماره d -دوربین واتسون استفاده گردید. در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS بهره گرفته شده است.

برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل زیر استفاده شده است:

مدل شماره ۱:

$$ET_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 CONSV_{i,t} + \gamma_2 OCF_{i,t} + \gamma_3 CONSV \times OCF + \gamma_4 BTM_{i,t} + \gamma_5 InSIZE_{i,t} + \varepsilon_i$$

CONSV بیانگر میزان محافظه کاری، ET نشان دهنده درآمد مشمول مالیات قطعی، BTM مؤید نسبت

ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت، OCF نشان دهنده خالص جریان وجه نقد عملیاتی و SIZE نشان دهنده ارزش بازار شرکت می باشد.

۳-۳- متغیرهای پژوهش

درآمد مشمول مالیات (ET)

درآمد مشمول مالیات: طبق ماده، ۱۰۵ ق.م.م. جمع درآمد شرکت ها و درآمد ناشی از فعالیت های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج تحصیل شود و پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون مشمول مالیات خواهند شد، که در این پژوهش مالیات قطعی شده توسط ممیز ملاک است.

محافظه کاری (CONSV)

برای اندازه گیری محافظه کاری از مدل ارائه شده توسط گیولی و هاین (۲۰۰۰) به صورت انباشته از سه سال قبل استفاده خواهد شد که به صورت زیر قابل محاسبه است. در این معیار بالا بودن مقدار CONSV، بیانگر محافظه کاری بیشتر می باشد.

مدل شماره ۲:

$$CONSV_{i,t} = -1 * \left(1/3 \sum_{1-2}^1 \frac{NIACC_{it}}{TA_{it}} \right)$$

در این مدل داریم:

$CONSV_{i,t}$: میزان محافظه کاری برای شرکت i در سال t.

$NOACC_{i,t}$: اقلام تعهدی غیرعملیاتی که از اختلاف کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی عملیاتی برای شرکت i در سال t قابل محاسبه است.

$TA_{i,t}$: کل دارایی های شرکت i در سال t.

جریان وجه نقد عملیاتی (OCF)

فعالیت های عملیاتی عبارت از فعالیت های اصلی مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری است. فعالیت های مزبور متضمن تولید و فروش کالا و ارائه خدمات است و هزینه ها و درآمدهای مرتبط با آن در تعیین سود یا زیان عملیاتی در صورت سود و زیان منظور می شود. جریان های نقدی ناشی از فعالیت های عملیاتی اساساً دربرگیرنده جریان های ورودی و خروجی نقدی مرتبط با فعالیت های مزبور است.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، از طریق تقسیم ارزش دفتری سرمایه عادی بر ارزش بازار آن (حاصل ضرب تعداد سهام منتشره و در دست سهامداران در قیمت بازار سهام) در انتهای دوره بدست خواهد آمد.

اندازه شرکت (SIZE)

در این تحقیق برای اندازه گیری اندازه شرکت از متغیر ارزش بازار شرکت در پایان دوره استفاده خواهد شد و منظور لگاریتم طبیعی حاصل ضرب تعداد سهام منتشره و در دست سهامداران در قیمت سهام در آخرین روز از سال می باشد.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور کسب شناخت بیشتر درباره جامعه آماری، خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به داده های تحقیق در جدول شماره ۱ ارائه می گردد:

جدول (۱) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

محافظة کاری	اندازه شرکت	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	محافظه کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	جریان وجه نقد عملیاتی	درآمد مشمول مالیات قطعی	
تعداد	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸
میانگین	۳۶۰۵۸۸۱۴۱۳۸۰۳/۸۲	۰/۵۸۷۳	۳۲۶۷۹۷۴/۸۸	۱۲۵۹۲۴۹/۸۳	۳۹۳۱۸۵/۰۴	۴۱/۳۱۴۱
انحراف معیار	۹۰۵۲۳۷۱۵۰۰۹۴۵/۸۳	۱/۰۴۰۳	۲۹۹۰۶۹۸/۹۰۷	۴۸۱۲۲۶۵/۸۲	۱۱۲۸۷۸۳/۶۱	۱۴۵/۱۷
حداقل	۸۶۰۱۶۰۰۰۰	-۷/۱۲۴۸	-۱۲۳۱۱۹۸۹/۳۴	-۹۷۶۸۳۵۴	۰	-۱۳۹۸/۰۰
حداکثر	۸۳۶۶۹۷۱۰۳۱۶۰۰	۴/۰۴۰۱	۵۰۰۸۱۶۸۱۰/۱۱	۳۹۵۹۹۵۹۰	۷۷۲۴۸۸۴	۰

منبع: یافته های پژوهش

جدول شماره ۱ میانگین، انحراف معیار، واریانس، حداقل و حداکثر هر کدام از متغیرهای پژوهش را به تفکیک نشان می دهد. مطابق جدول، اندازه شرکت بیشترین و محافظه کاری کمترین میانگین را دارند و همچنین اندازه شرکت بیشترین و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کمترین انحراف معیار را دارند و

حداقل داده‌ها مربوط به محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی و حداکثر آنها مربوط به اندازه شرکت می‌باشد.

در ادامه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۲ ارائه شده است. باتوجه به نتایج حاصل از همبستگی پیرسون، درآمد مشمول مالیات قطعی در سطح اطمینان ۹۵٪ دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با جریان وجه نقد عملیاتی و اندازه شرکت می‌باشد و همچنین در سطح اطمینان ۹۵٪ دارای همبستگی منفی و معنی‌داری با محافظه‌کاری می‌باشد.

جدول (۲) - ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	درآمد مشمول مالیات قطعی	جریان وجه نقد عملیاتی	محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	اندازه شرکت	محافظه کاری
درآمد مشمول مالیات قطعی	۱	۰/۴۷۸	-۰/۰۲۰	۰/۰۸۴	۰/۵۳۶	-۰/۲۳۶
		۰/۰۰۰	۰/۶۹۷	۰/۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جریان وجه نقد عملیاتی		۱	۰/۲۶۷	۰/۰۷۱	۰/۴۷۲	-۰/۱۹۴
			۰/۰۰۰	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
محافظه کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی			۱	-۰/۰۲۰	۰/۱۶۴	۰/۰۲۷
				۰/۶۹۵	۰/۰۰۱	۰/۵۹۰
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار				۱	۰/۰۹۵	-۰/۱۱۲
					۰/۰۶۱	۰/۰۲۷
اندازه شرکت					۱	-۰/۲۲۲
						۰/۰۰۰
محافظه کاری						۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیشترین همبستگی مثبت بین متغیرهای درآمد مشمول مالیات قطعی و اندازه شرکت و بیشترین میزان همبستگی منفی بین متغیرهای درآمد مشمول مالیات قطعی و محافظه کاری می‌باشد.

۴-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

در این قسمت، ابتدا مدل تحقیق برآورد شده و آزمون مفروضات آماری مربوط به آن شامل نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسان بودن واریانس باقیمانده‌ها، استقلال باقیمانده‌ها همراه با توضیحات و نتایج حاصل از آن ارائه می‌گردد و سپس به تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها به صورت جداگانه پرداخته می‌شود. برآورد مدل

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از مدل زیر استفاده شده است:

$$ET_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 CNSVi\ t + \gamma_2 OCFi\ t + \gamma_3 CONSV \times OCF + \gamma_4 BTMi\ t + \gamma_5 InSIZEi\ t + \varepsilon_i$$

نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره بوده و همچنین پس از تحلیل باقیمانده‌ها با استفاده از روش استپ وایس، متغیرهای مستقلی که بیشترین وابستگی را با متغیر وابسته که در اینجا درآمد مشمول مالیات قطعی می‌باشد، مشخص می‌گردد و مدل ریاضی آن را مشخص نموده و ارائه می‌دهیم.

تحلیل باقیمانده‌ها

۱- نرمال بودن باقیمانده‌ها: برای بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمرنوف استفاده می‌شود و طبق این آزمون داده‌ها نرمال هستند.

۲- همگنی واریانس باقیمانده‌ها: برای بررسی این شرط از نمودار پراکنش باقیمانده‌های استاندارد و مقدار متغیر وابسته استفاده می‌کنیم.

استقلال باقیمانده‌ها: برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌کنیم.

جدول (۳) - آزمون‌های تأیید مدل

مدل	R ^۲	ضریب R	جذر R	انحراف معیار خطاها	دوربین واتسون
۱	۰/۵۳۶	۰/۲۸۷	۰/۲۸۵	۹۵۴۴۷۸/۷۰۰	۱/۲۸۱
۲	۰/۵۹۳	۰/۳۵۲	۰/۳۴۸	۹۱۱۱۳۴/۱۳۶	
۳	۰/۶۱۷	۰/۳۸۰	۰/۳۷۵	۸۹۲۰۵۵/۸۶۹	
۴	۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۰/۳۸۰	۸۸۸۶۵۸/۰۶۵	

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول شماره ۳، مقدار دوربین واتسون برابر ۱/۲۸۱ می‌باشد لذا با توجه به جداول آماری، کران پایین برابر ۱/۲۶۴ و کران بالا برابر ۱/۷۲ می‌باشد. باتوجه به این، مقدار دوربین واتسون بین این مقدار قرار دارد پس استقلال داده‌ها نیز وجود دارد و مدل رگرسیون دارای سه شرط اصلی بوده و کامل است.

جهت بررسی همه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و اینکه کدام متغیرها بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر می‌گذارد، از روش استپ وایس استفاده کرده‌ایم.

نتایجی که از این روش به دست آمد نشان می‌دهد که متغیرهای جریان وجه نقد عملیاتی، محافظه کاری، اندازه شرکت و جریان وجه نقد عملیاتی ضرب در محافظه کاری، بر درآمد مشمول مالیات تأثیر دارند. در جدول شماره ۴ سطح معنی داری هر یک از متغیرها نشان داده شده است. باتوجه به اینکه سطح معنی داری چهار متغیر جریان وجه نقد عملیاتی، محافظه کاری، اندازه شرکت و جریان وجه نقد عملیاتی ضرب در محافظه کاری از ۵٪ کمتر می‌باشد. هر چهار متغیر بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیرگذار هستند.

جدول (۴) - آزمون معنی داری ضرایب مدل رگرسیونی

مدل	مجموع ضرایب	درجه آزادی	میانگین	ضریب F	سطح معناداری
۱	رگرسیون	۱	۱۴۱۴۳۹۵۷۹۳۴۷۶۸۵/۸۴	۱۵۵/۲۵۲	۰/۰۰۰
	نتیجه	۳۸۶	۹۱۱۰۲۹۵۸۹۴۱۶/۳۸		
	کل	۳۸۷			

سطح معناداری	ضریب F	میانگین	درجه آزادی	مجموع ضرایب	مدل
۰/۰۰۰	۱۰۴/۴۹۴	۸۶۷۴۵۱۶۶۱۳۹۳۳/۶۲	۲	۱۷۳۴۹۰۳۳۲۲۷۸۴۷۵/۲۵	رگرسیون
		۸۳۰۱۴۷۱۹۱۱۳۷/۱۰۵	۳۸۵	۳۱۹۶۰۶۶۶۸۵۸۱۳۹۳۵/۵۶	نتیجه
			۳۸۷	۴۹۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۸	کل
۰/۰۰۰	۷۸/۵۵۱	۶۲۵۰۷۹۱۶۸۶۱۱۳۳/۴۱	۳	۱۸۱۵۲۳۷۵۰۵۸۳۴۰۰/۲۵	رگرسیون
		۷۹۵۷۶۳۶۷۳۶۰۱/۵۹	۳۸۴	۳۰۵۵۷۳۳۵۰۲۷۹۰۱۰/۵۶	نتیجه
			۳۸۷	۴۷۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۸	کل
۰/۰۰۰	۶۰/۳۵۰	۴۷۶۵۹۲۱۵۴۱۷۴۲۱/۵۸	۴	۱۹۰۶۳۶۸۶۱۶۶۹۶۸۶/۳	رگرسیون
		۷۸۹۷۱۳۱۵۷۱۶۱/۱۶	۳۸۳	۳۰۲۴۶۰۱۳۹۱۹۲۷۳۴	نتیجه
			۳۸۷	۴۹۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۸	کل

منبع: یافته‌های پژوهش

در نتیجه می‌توان مدل‌های زیر را برای تأثیر محافظه کاری بر رابطه جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی پیشنهاد نمود.

جدول (۵) - نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد		مدل
		B	انحراف معیار خطاها	
۰/۰۰۴	۲/۹۲۱	۰/۵۳۶	۵۲۱۶۸/۳۷۵	مقدار ثابت
	۱۲/۴۶۰		۰/۰۰۰	اندازه شرکت
۰/۰۱۱	۲/۵۷۰	۰/۳۹۹	۴۹۹۴۸/۳۸۷	مقدار ثابت
	۸/۵۷۰		۰/۰۰۰	اندازه شرکت
	۶/۲۱۴	۰/۲۸۹	۰/۰۱۱	جریان وجه نقد عملیاتی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
	B	انحراف معیار خطاها	B		
۳	مقدار ثابت	۱۳۳۵۳۲/۰۶۷	۴۸۹۱۸/۵۰۸	۲/۷۳۰	۰/۰۰۷
	اندازه شرکت	۵/۰۸۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰
	جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۰۷۸	۰/۰۱۱	۰/۴۰۷ ۰/۳۳۲	۰/۰۰۰
	محافظه کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	-۰/۱۷۵ -۴/۱۹۹	۰/۰۰۰
۴	مقدار ثابت	۱۱۵۴۹۳/۹۷۵	۴۹۵۷۱/۸۰۳	۲/۳۳۰	۰/۰۲۰
	اندازه شرکت	۴/۹۰۴	۰/۰۰۰	۸/۵۴۸	۰/۰۰۰
	جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۰۷۵	۰/۰۱۱	۷/۱۱۰	۰/۰۰۰
	محافظه کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۳۲۱ -۰/۱۶۸ -۰/۰۸۲	۰/۰۰۰
	محافظه کاری	-۶۳۲/۲۰۲	۳۱۸/۴۱۵	-۱/۹۸۵	۰/۰۴۸

منبع: یافته‌های پژوهش

$$ET = 115493.975018 + 4.904E-008SIZ + .075 OCF - .006CONSV * OCF - 632.202CONSV$$

در بررسی معنی‌دار بودن مدل باتوجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰)، با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کل مدل تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

هدف از آزمون فرضیه اول تحقیق، بررسی تأثیر جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی می‌باشد و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر ندارد.

H1: جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

باتوجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، از آنجایی که ضریب متغیر جریان وجه نقد عملیاتی مثبت ۰/۷۵

بوده و احتمال آماره t آن کوچکتر از ۵٪ می باشد، در نتیجه فرضیه H_0 رد شده و تأثیر جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می گیرد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق پذیرفته می شود. بنابراین رابطه مستقیم و معنی داری میان جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان وجه نقد عملیاتی، میزان درآمد مشمول مالیات شرکت ها افزایش می یابد. یافته اخیر با نتایج تحقیقات روسین و جانسون (۱۹۹۹) و سدیدی (۱۳۸۷) سازگار می باشد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

در فرضیه دوم تحقیق به بررسی تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شرکت ها پرداخته شده است و فرضیه آماری آن بصورت زیر تعریف می شود:

H_0 : محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر ندارد.

H_1 : محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵، از آنجایی که ضریب متغیر محافظه کاری منفی بوده (۰/۰۰۶٪-) و احتمال آماره t آن کوچکتر از ۰/۰۵٪ می باشد در نتیجه فرضیه H_0 رد شده و تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی در سطح اطمینان ۹۵٪ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق پذیرفته می شود و میزان محافظه کاری رابطه معکوس و معنی داری با درآمد مشمول مالیات شرکت ها دارد. به طوری که با افزایش محافظه کاری از درآمد مشمول مالیات شرکت ها کاسته می شود.

یافته اخیر با نتایج تحقیقات هانلون (۲۰۱۰) همسو می باشد. این موضوع از منظر تئوری مالیاتی محافظه کاری قابل تبیین می باشد. بر اساس تئوری تفسیر مالیاتی محافظه کاری حسابداری، اگر محدودیت هایی که رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود نماید، وجود نداشته باشد در آن صورت ارقام حسابداری موجود در گزارش های مالی جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد. لذا می توان پیش بینی کرد که با افزایش محافظه کاری میزان درآمد مشمول مالیات شرکت ها کاهش یابد. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از این است که محافظه کاری اثر معکوسی بر جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی دارد. به طوری که با افزایش میزان محافظه کاری از میزان درآمد مشمول مالیات شرکت ها کاسته می شود. همچنین در بررسی اثر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات، یافته های تحقیق مؤید این است که با افزایش جریان وجه نقد عملیاتی از میزان تأثیر محافظه کاری بر میزان درآمد مشمول مالیات

کاسته می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

تعدادی از مطالعات قبلی، مالیات را به‌عنوان یکی از عوامل و عناصر محافظه‌کاری معرفی کرده‌اند. این پژوهش صراحتاً مالیات را به‌عنوان یکی از عناصر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی مورد بررسی و آزمون قرار داد. علت استفاده از خالص جریان نقدی عملیاتی در این پژوهش آن است که متغیری که نشان‌دهنده سود قبل از تأثیر دو عامل مالیات و اصل محافظه‌کاری باشد در دست نیست. حسابداری محافظه‌کارانه برای نشان دادن مخاطرات اخلاقی بوجود آمده بوسیله گروه‌های مختلفی که اطلاعات نابرابر و نامتقارن، حقوق و مزایای نابرابر و مسئولیت محدود دارند، پدید آمده است. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش میزان محافظه‌کاری، میزان مالیات شرکت‌ها کاهش یابد. احتمالاً عدم تقارن در شناسایی سود در مقابل زیان موجب می‌شود در واحد اقتصادی سودآور، مدیران ارزش فعلی مالیات را کاهش دهند. پس با تأخیر در شناسایی درآمدها و شناسایی زودتر هزینه‌ها مقصود خود را عملی می‌کنند. بر اساس تئوری‌های موجود انتظار یک رابطه معکوس میان محافظه‌کاری و درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها وجود دارد. با این وجود میزان این رابطه متأثر از محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌باشد. در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر بوده و دارای یک محیط اطلاعاتی شفاف و باکیفیت تری هستند، محافظه‌کاری تأثیر ناچیزی بر میزان درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها داشته باشد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون (جدول شماره ۲) نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنی‌داری (۰/۴۷۸) بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده می‌باشد که نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند و ضریب همبستگی منفی و معنی‌دار (۰/۲۳۶-) بین محافظه‌کاری و درآمد مشمول مالیات قطعی شده نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند، همچنین ضریب همبستگی مثبت و معنی‌دار (۰/۲۶۷) بین حاصل ضرب محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی و جریان وجه نقد عملیاتی نشان می‌دهد که محافظه‌کاری جریان وجه نقد عملیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند و مقایسه همبستگی مثبت و معنی‌دار (۰/۴۷۸) بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی با همبستگی منفی (۰/۲۰-) بین حاصل ضرب محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده نشان می‌دهد که محافظه‌کاری رابطه بین خالص جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده را تحت تأثیر

قرار می دهد که نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می کند. همچنین همبستگی منفی و معنی دار بین اندازه شرکت و محافظه کاری ($-0/222$) نشان می دهد که با افزایش اندازه شرکت محافظه کاری کاهش می یابد که نتایج پژوهش بیگلی و همکاران (۲۰۱۴) را تأیید می کند.

نتایج آزمون فرضیه اول و اثر مثبت جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات شرکت ها، با نتایج تحقیقات روسین و جانسون (۱۹۹۹) و سدیدی (۱۳۸۷) سازگار می باشد. به سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد می شود که جریان وجه نقد عملیاتی شرکت ها را به دلیل اینکه یک متغیر قبل از تأثیر دو عامل مالیات و محافظه کاری است و کمتر تحریف و دستکاری می شود را در فرآیندهای رسیدگی در طرح جامع مالیاتی مد نظر قرار داده و توجه بیشتری به آن معطوف دارند. همچنین به ممیزین مالیاتی پیشنهاد می شود در فرآیندهای رسیدگی مالیاتی به ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات شرکت ها توجه نمایند، زیرا تحلیل ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات شرکت های مختلف می تواند می تواند به صورت یک معیار برای ارزیابی درجه اعتباری دفاتر و صورت های مالی مؤدیان مالیاتی و رتبه بندی میزان ریسک آنها معرفی شود.

براساس نتایج آزمون فرضیه دوم و اثر معکوس محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده که با نتایج تحقیقات هانلون (۲۰۱۰)، روسین و جانسون (۱۹۹۹)، گیلوی و هین (۲۰۰۰)، و سدیدی (۱۳۸۷) همسو می باشد، پیشنهاد می شود سازمان امور مالیاتی کشور تدابیری را برای سنجش محافظه کاری با توجه به اهمیت آن در ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی در فرآیندهای رسیدگی مالیاتی در طرح جامع مالیاتی، بیندیشد. همچنین با توجه به روابط بین سه متغیر محافظه کاری، جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده، معیارهای جدیدی برای ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی در ماژول رتبه بندی ریسک مؤدیان مالیاتی تعبیه نمایند. همچنین به ممیزین مالیاتی پیشنهاد می شود در بررسی و تحلیل رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی مؤدیان مالیاتی و میزان درآمد مشمول مالیات آنها، اثرات محافظه کاری بر این رابطه را با توجه به ویژگی های صنعت مربوطه و هدف گزارشگری مد نظر قرار دهند. همچنین ممیزین مالیاتی می توانند از طریق درک و تحلیل ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی در صنایع مختلف و اثرات محافظه کاری بر این ارتباط به نرم های جهت رسیدگی دقیقتر در صنایع مختلف و همچنین به معیاری جدید برای ارزیابی ریسک (با توجه به اهمیت ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی در طرح جامع مالیاتی) مؤدیان مالیاتی دست یابند. پیشنهاد می شود در این

راستا هیأت استانداردهای حسابداری مالی به تدوین استانداردهای مبادرت نماید که در راستای آن برای استانداردهایی که امکان کاهش کیفیت اطلاعات مالی را فراهم می‌آورد، کنترل‌ها و محدودیت‌هایی لحاظ نمایند. همچنین زمینه را برای به‌کارگیری و سازگاری استاندارد بین‌المللی حسابداری مالیات بر درآمد شماره ۱۱ با محیط گزارشگری مالی ایران فراهم آورند. زیرا خلأ بین مالیات واقعی و مالیات پرداخت شده در کاهش شفافیت اطلاعات مالی بی‌تأثیر نبوده است.

براساس نتایج کلی حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی کشور در مازول ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی به روابط بین سنجه‌ها و معیارهای جریان وجه نقد عملیاتی، محافظه‌کاری و درآمد مشمول مالیات ابرازی مؤدیان مالیاتی توجه نماید.

فهرست منابع

۱. آزاد، عبدالله (۱۳۸۹). تعریف و مفهوم محافظه کاری در حسابداری، فصلنامه حسابداری رسمی، دوره جدید، شماره ۸ (پیاپی ۲۰)، ۱۲۵-۱۲۹.
۲. آقالو، یحیی (۱۳۸۰). مقایسه درآمدهای مالیاتی و هزینه های جاری، ویژه فرهنگ سازمانی، دوره سوم، شماره ۲، ۳۹-۴۹.
۳. آقای، محمدعلی و امیر شاکری (۱۳۸۹). کاربرد نسبت های نقدینگی، جریان نقدی و حسابداری تعهدی در پیش بینی جریان نقدی عملیاتی آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، دوره دوم، ش ۵، ۱-۱۶.
۴. اقتصاد ایران (۱۳۸۷). ماهنامه اقتصادی و مالی بین المللی، سال دهم، شماره ۱۱۳، ۶۳-۶۵.
۵. بنی مهد، ب. (۱۳۸۵). تبیین و ارائه الگوی برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۶-۲۴.
۶. بیگ پور، محمد علی (۱۳۸۵). مشکلات موجود در اجرای موفق ماده ۲۷۲ قانون مالیات های مستقیم، مجله حسابرسی، دوره پنجم، شماره ۵، ۵۲-۵۹.
۷. پژویان، جمشید (۱۳۸۱). اقتصاد بخش عمومی، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، صفحات ۱۳۴-۱۴۵.
۸. پورزمانی، زهرا و ابوالقاسم شمس (۱۳۸۹). بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید، شماره ۵، ۱۵-۱۹.
۹. پورمقیم، سیدجواد (۱۳۸۰). اقتصاد بخش عمومی، چاپ سوم، نشر نی، ۸۴-۹۶.
۱۰. خطیب زاده، امیرحسین (۱۳۸۷). ماهنامه اقتصادی و بین المللی اقتصاد ایران، دوره هفتم، شماره ۶، ۵۴-۸۹.
۱۱. دادگر کرمجانی، یداله (۱۳۸۶). فصلنامه مالیات و توسعه، پیش شماره چهارم، ۱۲۴-۱۹۰.
۱۲. رسائی، امیر و محمدرضا غفاری (۱۳۹۱). درآمدی بر رابطه بازده غیرعادی سهام و محتوای اطلاعاتی جریان های نقدی، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، دوره دوم، شماره های ۴ و ۵، ۷۹-۹۱.
۱۳. روزن، هاروی اس. (۱۳۷۸). مالیه عمومی (اقتصاد بخش دولتی). مترجم عین اله علا، دانشگاه امور اقتصادی، ۱۳۵-۱۴۶.

۱۴. احسان فر، محمدحسین (۱۳۸۰). برآورد ظرفیت مالیاتی استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی، ۲۰-۲۴.
۱۵. زاهدی، امیر (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین قابلیت اتکای اقلام تعهدی و ثبات سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران، ۴۵-۵۵.
۱۶. سدید، م. (۱۳۸۷). اثر محافظه کاری حسابداری بر کیفیت سود و بازده سهام، پایان نامه دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، ۱۹-۲۵.
۱۷. سمیعی، عبدالمحمد (۱۳۶۹). سیاست‌های پولی و مالی دولت، مدیریت دولتی، دوره پنجم، شماره ۹، ۱۱۸-۱۲۳.
۱۸. صفری، احمد (۱۳۸۵). بررسی دلایل اختلاف بین سود ابرازی مؤدیان و سود تشخیصی ماموران مالیاتی اشخاص حقوقی غیر دولتی در اداره امور مالیاتی شرکت‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۶-۱۸.
۱۹. طالب نیا، قدرت اله، حمیدرضا وکیلی فرد، علی اکبر عرب مازار و محمود صمدی لرگانی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۹، ۶۷-۸۳.
۲۰. علوی و همکاران (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و ثبات سود با هزینه سرمایه سهام عادی، فصلنامه توسعه و سرمایه، دوره جدید، شماره ۶، ۵۷-۷۶.
۲۱. عنایتی زاده، عباس (۱۳۸۷). بررسی تفاوت حسابرسی مالیاتی انجام شده توسط حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و ماموران تشخیص مالیات سازمان امور مالیاتی در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات تشخیصی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ۴۴-۵۱.
۲۲. قانون مالیات‌های مستقیم (۱۳۶۶). چاپ اول، مصوب اسفند ۶۶، ۸۶-۹۴.
۲۳. قنبری فرد، س. (۱۳۷۴). بررسی علل عمده وجود اختلاف ما بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات شرکت‌های تولیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، ۲۲-۲۸.
۲۴. کمالی، سعید (۱۳۸۹). بررسی تفاوت حسابرسی مالیاتی انجام شده توسط حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و مأموران تشخیص مالیات سازمان امور مالیاتی در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات قطعی شده، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد،

۳۲-۲۹

۲۵. منصور، فرناز (۱۳۹۰). تأثیر متقابل کیفیت افشاء، محافظه کاری و رابطه متقابل آن‌ها بر هزینه سرمایه سهام عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۲۶-۲۲.

۲۶. مهندس، ابوطالب و مهدی تقوی (۱۳۸۱). مالیه عمومی، نشر فردین، ۱۵۹-۱۶۴.

۲۷. موسی زاده، رضا (۱۳۸۵). مالیه عمومی، نشر میزان، ۴۸-۵۹.

۲۸. نادران، الیاس (۱۳۷۷). ظرفیت مالیاتی و معضلات موجود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۶۱-۶۵.

29. Bagnoli, M. and S. Watts, (2005). Conservative Accounting Choices, Management Science, 51(5), 786-801.

30. Barth, M., Cram, D & Nelson, K. (2001). Accruals and the Prediction of Future Cash Flows. The Accounting Review, 76, 27-58.

31. Basu, S. (1997). The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings, Journal of Accounting & Economics 24, 3-37.

32. Givoly, D., and Hayn (2000). On the Asymmetric Recognition of Good and Bad News in France, Germany and the United Kingdom, Journal of Business Finance and Accounting, 28, 1285-1331.

33. Guenther, D. A., E. L. May dew and S. E. Nutter (1977). Financial Reporting, Tax Costs, and Book-tax Conformity, Journal of Accounting and Economics, 23, 225-248.

34. Hanlon, M., and S. Heitzman (2010). A Review of Tax Research. Journal of Accounting and Economics 50 (2-3), 17-171.

35. LaFond, R. and R. Watts (2008). The Information Role of Conservatism, The Accounting Review, 83(2), 447-448.

36. Palepu, K., J. Healy, and V. Bernard (2000). Business Analysis and Valuation. Using Financial Statements Cincinnati, South Western College Publishing, 46-55.

37. Penman, S. (2001). Financial Statement Analysis and Security Valuation. New

- York, NY: Mc Graw-Hill Irwin, 19-21.
38. Sabramanyam, K. R., M. Venkatachalam. (2007). Earnings, Cash Flows and Ex-Post Intrinsic Value of Equity. *The Accounting Review*, 82, 2, 457-481.
39. Watts, R. (2003). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications, *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.
40. Watts, R. (2003), Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Research Opportunities, *Accounting Horizons*, 17(4), 287-301.
41. Nakao, S.H. (2012). Influence of Tax Accounting on Transparency, *International Finance Review*, 13, 69-96.
42. Bigelli, M., Francisco, F. and Javier Sánchez-Vidal (2014). Financial Conservatism of Private Firms *Journal of Business Research*.
43. Sun, J, and Liu G. (2011). The Effect of Analyst Coverage on Accounting Conservatism, *Managerial Finance* 37.